

نماز، خانواده و تعلیم و تربیت

ابراهیم ملکی

حوزه علمی امام صادق - علیه السلام -

استان کردستان - شهرستان قروه



اصول و مبانی هر منزله‌ی ستون و پایه‌ی ساختمان است که در استحکام و عمر آن نقش اساسی دارد. در علوم گوناگون مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تعلیم و تربیت و راهنمایی و مشاوره، اصول و مبانی این علوم نقش اساسی بر عهده دارند و در واقع فعالیت‌ها و روش‌ها مبتنی بر اصول هر علم است. برای مثال در راهنمایی و مشاوره، اصول و مبانی این علم به فعالیت‌ها، روش‌ها و فنون مشاوره جهت می‌دهد و نقش بنیادی و اساسی در فعالیت‌های مشاور ایفا می‌کند. در این مقاله سعی شده است اصول و مبانی آموزش مسائل دینی، از جمله نماز، به کودکان و نوجوانان، از دیدگاه دینی، با استفاده از قرآن، احادیث و روایات ائمه - علیهم السلام - و نظریات علمای تعلیم و تربیت، به صورت تطبیقی، تبیین و تشریح شود.

۱- فطری بودن مسائل دینی (نماز)

نیاز به پرستش و نیایش یکی از نیازهای اساسی و عمیق است که در عمق روان بشر وجود دارد. استاد شهید مطهری (ره) در این باره می‌فرماید: «یکی از پایدارترین و قدیمی‌ترین تجلیات روح آدمی و یکی از اصیل‌ترین ابعاد وجود انسان‌ها حس نیایش و پرستش است. مطالعه‌ی آثار زندگی بشر نشان می‌دهد هر زمان و هر جا که بشر وجود داشته است، نیایش و پرستش هم وجود داشته است. چیزی که هست شکل کار و شخص معبود متفاوت شده است؛ از نظر شکل، از رقص‌ها و حرکات دسته جمعی موزون همراه با یک سلسله اذکار و اوراد گرفته، تا عالی‌ترین خضوع‌ها و خشوع‌ها.» (رضوان طلب، ص ۵۱)

همه‌ی کودکان به طور فطری کنجکاو و کاوشگر بوده، به دنبال پاسخ به سؤالات و چراها هستند و میل به پرستش و نیایش در وجودشان موج می‌زند. تجربیات و مشاهدات نیز مؤید این مطلب است که کودکان در تقلید و یادگیری مفاهیم و مسائل دینی مثل نماز و روزه آمادگی بیش‌تری در مقایسه با دیگر رفتارها و موضوعات از خود نشان می‌دهند و این موضوع مؤید فطری بودن خداجویی در کودکان است.

خداوند تبارک و تعالی در قرآن مجید می‌فرماید: «فاقم وجهک للذین حنیفاً فطرت اللّٰه الّٰتی فطر النّٰس علیها لا تبدیلهن لخلق اللّٰه ذلک الدین الّٰقیم ولکن اکثر النّٰس لا تعلمون...» پس روی خود به سوی دین حنیف کن که مطابق فطرت

مقدمه:

روش‌ها و شیوه‌های آموزش نماز به کودکان و نوجوانان، بر اصولی استوار است که مهم‌ترین آن‌ها در این نوشتار بیان می‌شود.

«اصل» به معنای بن، ریشه، زیربنا و اساس است. کلمه‌ی اصل را عرف عامه در مقابل «بدل» و در مقابل «فرع» استعمال می‌کند؛ اما مقصود از این واژه در این جا، مفهوم فلسفی آن است که با معنای «منشاء» و «مصدر» برابر می‌شود. علمای تعلیم و تربیت نیز از اصول و مبانی تعلیم و تربیت چنین برداشتی دارند.

در آموزش و تعلیم هر موضوع، اصول و مبانی ساختار آن موضوع از اهمیت ویژه و اساسی برخوردار است.

خداست؛ فطرتی که خدا بشر را بر آن فطرت آفریده و در آفرینش خدا دگرگونی نیست، این است دین مستقیم ولی بیش تر مردم نمی دانند. (سوره ی روم، آیه ی ۳۰)

اگر مشاهده می شود که گروهی از کودکان و نوجوانان نسبت به مسائل دینی از جمله نماز، رغبت و تمایلی از خود نشان نمی دهند، این امر مربوط به عوامل محیطی است که فطرت کودک را از مسیر خود منحرف کرده است.

با کمال تأسف باید گفت که بعضی از والدین حساسیت و دقتی که درباره ی امور دنیوی (تغذیه، لباس، تحصیل و مانند آن) فرزندانشان از خود نشان می دهند، در مورد مسائل معنوی و دینی آن ها نشان نمی دهند. به راستی این گروه از والدین مصداق کلام نورانی رسول خدا - صلی الله علیه و آله - اند که می فرماید: «وای بر فرزندان آخر الزمان، از دست پدرانشان!» گفتند یا رسول الله منظور شما پدران مشرکانند؟ فرمود: «خیر، بلکه پدران مؤمنی که واجبات دینی را به فرزندان خود نمی آموزند و اگر آنان خود بخواهند احکام دین را فرا گیرند، ایشان جلوگیری می کنند (و حال آن که) اگر کالایی به دست آورند از آن راضی و خوشحال خواهند شد. من از ایشان بیزار و آنان نیز از من بیزارند.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲۵)

بنابراین خداجویی امری فطری و درونی است. علمای تعلیم و تربیت اسلامی باید به فکر تهیه و تدوین کتبی باشند که شیوه های صحیح رشد و پرورش این حس را بر مبنای فطری بودن آن به والدین آموزش دهند تا آنان به شیوه های نادرست متوسل نشوند.

۲- اختیاری بودن مسائل دینی (نماز)

انسان به اقتضای فطرت الهی خود و به دلیل آن که موجودی است چند بُعدی و به اعتبار کرامتی که خداوند برای او مقرر نموده، موجودی است مختار و کرامت خویش را می تواند با اختیار خود کسب کند. در واقع، از دیدگاه اسلام، انسان موجودی است که دارای میل ها و جاذبه های معنوی است که سایر موجودات فاقد آن اند.

بنابراین در دعوت کودکان و نوجوانان به دین، باید به گونه ای عمل کنیم که آن ها احساس آزادی کنند. یعنی نباید هیچ گاه آن ها را مجبور به دین داری کنیم، یا برای این که مثلاً دیندار شوند، نباید به آن ها مزایای زیادی بدهیم. اگر بدون

استفاده از این دو حربه ی تهدید و تطمیع، بتوانیم کودکان و نوجوانان را به عقیده ای معتقد کنیم، آن اعتقاد درونی خواهد بود؛ یعنی اعتقادی که نه برای جلب منفعت است و نه به دلیل ترس از قدرت. (ارونسون، ص ۳۴)

دکتر زهرا مصطفوی نقل می کند: «همسرم به دلیل عادت خانوادگی، دخترم را از خواب صبحگاهی بیدار می کرد و به نماز وای می داشت. امام (ره) وقتی از این ماجرا خبردار شدند، برایش پیغام فرستادند که «چهره ی شیرین اسلام را به مذاق بچه تلخ نکن.» این کلام آن چنان مؤثر افتاد و اثر عمیقی بر روح و جان دخترم به جای گذاشت که بعد از آن خودش سفارش کرد که برای نماز صبح به موقع بیدارش کنم.» (ستوده، ص ۱۲۳)

در دین اسلام، تأکید فراوان بر این مطلب می شود که اصول دین تقلیدی نیست، بلکه فرد باید با آگاهی و آزادی آن را بپذیرد. بنابراین باید تلاش کنیم که کودک و نوجوان را به

در دعوت کودکان و نوجوانان به

دین، باید به گونه ای عمل کنیم که

آن ها احساس آزادی کنند. یعنی

نباید هیچ گاه آن ها را مجبور به

دین داری کنیم، یا برای این که

مثلاً دیندار شوند، نباید به آن ها

مزایای زیادی بدهیم. اگر بدون

استفاده از این دو حربه ی

تهدید و تطمیع، بتوانیم کودکان و

نوجوانان را به عقیده ای معتقد

کنیم، آن اعتقاد درونی خواهد

بود؛ یعنی اعتقادی که نه برای

جلب منفعت است و نه به دلیل

ترس از قدرت.

طریق مثبت و ترغیب کننده به دین دعوت نماییم و از افرادی که دارای مبنای اعتقادی و فکری قوی اند در این زمینه کمک بگیریم. باید توجه داشته باشیم که کودک، به ویژه نوجوانان، در مقابل برخوردهای آمرانه، مقاومت می کنند. (کاظمی، ص ۸۷)

۳- آموزش تدریجی مسائل دینی (نماز)

آموزش معارف و مسائل دینی دارای مراتب و درجاتی است و هر مرتبه و درجه ای از آن، اصول و مقتضیاتی دارد که باید رعایت شود. تفاوت این مراتب و درجات به دلیل تفاوت های فردی در رشد استعداد های ذهنی و روحی و نیز تفاوت در معلومات و تجربیات و شرایط گوناگون اجتماعی



و فرهنگی در متعلمان است. (سادات، ص ۲۷)
بدین روی، باید مطالب و مفاهیم آموزشی و دینی متناسب با سطح درک و قوای ذهنی و روانی متعلمان باشد. والدین و بزرگسالان نباید توقع داشته باشند که کودک آن ها به سرعت اهل عبادت و نماز شود. برنامه ی آموزش و عادت دادن آن ها به نماز باید بر اصل تدریج مبتنی باشد. کودک نباید یک باره بار سنگینی از وظایف دینی را بر دوش خود احساس کند و خود را به انجام آن موظف بداند. تکالیف سنگین و زود هنگام و خارج از طاقت و توان کودک ممکن است صدمه ای جبران ناپذیر بر اعتقادات دینی و مذهبی او وارد آورد.

در تعالیم اسلامی، توصیه های فراوانی در زمینه ی آموزش تدریجی مسائل دینی آمده است. امام جعفر صادق - علیه السلام - در مورد روزه گرفتن می فرماید: «ما اهل بیت هنگامی که کودکانمان به پنج سالگی رسیدند، دستور می دهیم نماز بخوانند. پس شما کودکان خود را از هفت سالگی به نماز امر کنید و ما در هفت سالگی امر می کنیم به اندازه ی توانایی شان، نصف روز، بیش تر یا کم تر روزه بگیرند و دستور می دهیم هنگامی که تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب شد، افطار کنند. این کار برای آن است که به روزه گرفتن عادت کنند. پس شما کودکان خود را در نه سالگی (در مورد پسران) به اندازه ی توانایی شان امر به روزه گرفتن کنید و چون تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب گردید، افطار کنند.» (سنن النبی، ص ۱۵۷)

بنابراین بعضی از والدین و مربیان - متأسفانه - قصد دارند در فرصتی کوتاه و سریع فراگیران خود را به سر منزل مقصودی که در ذهن خود دارند، برسانند، بدون این که آنان خود فرصت دست یابی خویش را فراهم کنند.

۴- تکرار و مداومت در آموزش مسائل دینی (نماز)

تکرار و استمرار، سبب یادگیری درست، سرعت عمل و کسب مهارت در هر زمینه ای می شود. «کار نیکو کردن از پر کردن است.» هیچ کس نمی تواند منکر این باشد که اگر مفاهیم و لغات آموخته شده از زبان بیگانه، تمرین و تکرار نشود، دیر یا زود به فراموشی سپرده می شود. (شعبانی، ص ۲۳)

دکتر قائمی می نویسد: «برای تقویت و ایجاد رفتاری ثابت و عادت استوار در کودک و نوجوان، باید از مجرای

والدین و بزرگسالان نباید توقع داشته باشند که کودک آن‌ها به سرعت اهل عبادت و نماز شود. برنامه‌ی آموزش و عادت دادن آن‌ها به نماز باید بر اصل تدریج مبتنی باشد.

می‌شود که والدین نماز را با حال و با صوت و آهنگی موزون قرائت کنند تا کودکان بیش‌تر مجذوب کلام الهی شوند. برای این کار، والدین می‌توانند به قرائت نمازهای علمای ربّانی گوش فرا دهند و از آن‌ها بهره بگیرند.

در پایان این مبحث متذکر می‌شود که والدین باید صبورانه در مقابل رفتارهای کودک عمل کنند و بدانند که سرنوشت و آینده‌ی کودک به دست آنان رقم می‌خورد. به تعبیر دیگر، کودکان آینه‌ی تمام‌نمای والدین‌اند. اگر آنان با حال و حوصله و توجه و عشق نماز را اقامه کنند و بهترین حالات آنان زمانی باشد که به نماز می‌ایستند، مسلماً فرزندان‌شان نیز چنین شیوه‌ای را پیشه‌ی خود خواهند کرد.

۵- آسان‌گیری در آموزش مسائل دینی (نماز)

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - در مناسبت‌های مختلف، به دفعات و با تأکید می‌فرمودند: «اسلام دین آسانی است و دین‌داری مشکل نیست. مبادا افراد نادان بر خود سخت بگیرند و مبادا متوکلان امور دینی کاری انجام دهند که مردم تصور کنند دین‌داری مشکل است و با سخت‌گیری‌های بیجا مردم را از دین فراری دهند.» (محمّدی ری شهری، ص ۸۶)

روزی از پیامبر مسئله‌ای را پرسیدند و چند بار سؤال را تکرار کردند: آیا فلان کار اشکال دارد؟ آن حضرت فرمودند: نه، اشکال ندارد. «ای مردم، دین خدا در آسانی است.» این سخن را پیامبر سه بار تکرار کردند. (ابن حنبل، ج ۵، ص ۶۹) قرآن به صراحت اعلام کرده است که تکالیف دینی سخت نیست. در این باره آیات ذیل قابل توجه است:

«خداوند آسانی را برای شما می‌خواهد و سختی و مشقت برایتان نمی‌خواهد.» (سوره‌ی بقره، آیه ۱۸۵)
«خداوند در دین اسلام، تکلیف سختی را بر شما تحمیل

«تکرار» وارد شد. بسیاری از افکار و اعمال در سایه‌ی تمرین و عمل مکرّر در انسان تثبیت می‌شوند. حتی ایمان آدمی هم نوعی تثبیت در سایه‌ی عمل است (لا یثبت الايمان الا بالعمل، اصول کافی) و هر قدر عمل مکرّرتر باشد امکان تثبیت آن بیش‌تر است. هم چنین در تربیت دینی، این اصل وجود دارد که از راه ظاهر و عمل ظاهری، می‌توان در باطن نفوذ داشت و بر عکس. کودک را باید به مظاهر عمل و تکرار در این ظاهر انس دهیم تا باطن او شکل گیرد. تجارب و تعالیم علمی نشان داده‌اند که حتی عمل ریایی، در صورت تکرار، در فردی تثبیت می‌شود و پس از تثبیت، می‌توان یک عمل ریایی را به صورت واقعی و بی‌ریا درآورد، به این شرط که نیت عمل را تغییر دهند. این روش مخصوصاً در مورد کودک مؤثر است، مثلاً ممکن است کودک یا نوجوانی از طرف امام جماعت و... تشویق شود و خاطره‌ی خوشی در ذهنش شکل گیرد و مدتی به خاطر همین تشویق به مسجد برود، ولی پس از مدتی جاذبه‌های معنوی مسجد و حالات نماز گزاران به هنگام نماز، کودک و نوجوان را مجذوب خود نماید و فردی مذهبی بار آید.

بدین سان ما کودک را به تکرار ظاهر در عبادت سوق می‌دهیم تا زمینه برای انس او به عبادت، تثبیت عمل و ایجاد عادت در او فراهم آید. (قائمی، ص ص ۳۶-۳۷)

طبیعت کودک با تکرار سازگار است. از این رو هنر بزرگ والدین و مربیان در این است که دنیای کودک را درک کنند و بدانند که برخی از مسائلی که ممکن است برای بزرگسالان خسته‌کننده باشد، برای کودکان لذت بخش است. کودک از تکرار مکرّرات آزوده نمی‌شود؛ بیان مکرر قصه‌ها و داستان‌ها کودکان را اصلاً خسته نمی‌کند؛ به خصوص اگر بیان این داستان‌ها با صوت خوش و آهنگ مطلوب همراه باشد، آنان را کاملاً مجذوب و علاقه‌مند می‌سازد. به همین علت، توصیه

فرهنگ انس با مسجد و نماز، به عنوان یک حرکت ارادی، آگاهانه و مستمر، باید از آغاز دوران کودکی در نظام تربیتی خانه، مدرسه و جامعه به عنوان یک اصل مهم تربیتی مدنظر قرار گیرد تا فطرت خداجوی کودک به گونه ای رشد و پرورش یابد که هیچ عامل و شرایطی نتواند موجبات انحرافات او را فراهم سازد.



نکرده است.» (سوره ی حج، آیه ی ۷۸)

آسان گیری در مسائل دینی کودکان، از اهمیت بسزایی برخوردار است. در دوران خردسالی، در نماز باید به گونه ای عمل کنیم که کودک احساس خستگی نکند. نباید نماز را برای او سنگین و کسل کننده بسازیم. به مصححت اوست که نمازها را با ذکرهای طولانی و رکوع و سجده های خسته کننده، طولانی نکنیم. حتی سفارش شده است به خاطر چند کودکی که با شما به نماز ایستاده اند آن را سریع تر بخوانید. از برخی کارهای مستحبی صرف نظر کنید، هشیار باشید که او کودک است و حال و روحیه ی شما را ندارد، به ویژه که از حالات و رفتار شما سر در نمی آورد و معنای عبارات شما را نمی فهمد. (قائمی، ص ۳۵)

مرحوم میرزای نوری در مستدرک الوسائل می نویسد: «امام سجاد - علیه السلام - کودکانی را که نزد ایشان بودند، و می داشتند تا نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را با هم بخوانند. به آن حضرت اعتراض شد. فرمودند: «این کار برای آن ها سبک تر و بهتر است و سبب می شود به خواندن نماز پیشی بجویند و برای خوابیدن یا سرگرمی با کار دیگری نماز را ضایع نسازند.» امام، کودکان را به چیزی دیگر غیر از نماز واجب دستور نمی دانند و می فرمودند: «اگر قدرت و طاقت برخوردارند نمازهای واجب داشتند، آنان را محروم نسازید.» (مستدرک الوسائل، ص ۱۶۰)

متأسفانه بعضی از والدین و مربیان اصرار دارند که حتی از روی جبر و اکراه، بدون توجه به حال و روحیه ی کودک، او را نماز خوان بار آورند، اما ناخودآگاه افرادی لامذهب و عقده ای می پروراند چنین افرادی در نخستین فرصتی که به

قدرت و استقلالی دست یابند، ترک دین و عبادت خواهند گفت. روشن است که مسئولیت چنین کاری بر عهده‌ی کسانی است که چنین زمینه‌ای را فراهم ساخته‌اند. (قائمی، ص ۳۶)

بدین ترتیب آموزش مسائل مذهبی به کودکان و نوجوانان، آگاهی، بصیرت و فنون تربیتی را می‌طلبد. والدین باید بدانند که شیوه‌های سنتی و منسوخ که هیچ سنخیتی با تعالیم آسمانی اسلام و علوم جدید ندارند، جوابگوی نیازهای گوناگون نوجوانان نیست و با این روش‌ها نمی‌توانند کودکان و نوجوانان خود را مذهبی بار آورند. بدین روی، توصیه می‌شود که با مطالعه و بررسی سیره‌ی ائمه‌ی اطهار - علیهم السلام - و سفارش‌های آنان، به تربیت مذهبی کودکان و نوجوانان اقدام کنند.

نتیجه‌گیری:

نتایجی که از مباحث گذشته می‌توان گرفت این است که برای رسیدن به اهداف تربیت دینی و ترویج فرهنگ نماز، همکاری همه‌ی نهادها، به خصوص نهادهای فرهنگی و تربیتی، ضرورت تام دارد. به بیان دیگر، خانه، مدرسه و جامعه در انجام وظایف تربیت و پرورش دینی مکمل یکدیگرند.

پیوند و ارتباط نزدیک خانه، مدرسه و جامعه در واقع، پیوند استوانه‌های تربیت صحیح و منطقی است. امروزه لازم است مدارس علاقه‌ای واقعی و باطنی برای حضور مستمر و ارتباط نزدیک دانش‌آموزان با مساجد، در آنان ایجاد کنند. در این زمینه، مدارس نباید تنها به ساختن نمازخانه‌ها اکتفا کنند. با وجود آن که ساخت و توسعه‌ی نمازخانه‌ها اقدامی مثبت و ارزنده برای رسیدن به ارزش‌ها و مقدسات والای دینی است، اما هیچ‌گاه جای مساجد و تأثیرات سازنده‌ی آن‌ها را نمی‌گیرد.

فرهنگ انس با مسجد و نماز، به عنوان یک حرکت ارادی، آگاهانه و مستمر، باید از آغاز دوران کودکی در نظام تربیتی خانه، مدرسه و جامعه به عنوان یک اصل مهم تربیتی مدنظر قرار گیرد تا فطرت خداجوی کودک به گونه‌ای رشد و پرورش یابد که هیچ عامل و شرایطی نتواند موجبات انحرافات او را فراهم سازد. (محمد رضا مطهری)

در پایان باید این مطلب را بپذیریم که بعضی از خانواده‌ها



اطلاعات لازم را از دین ندارند و از سوی دیگر، مدرسه تکالیف سختی بر بچه‌ها تحمیل می‌کند، مانند سخت‌گیری در مورد حجاب برای دختران، پیش از سن بلوغ یا اجبار برای شرکت در نماز جماعت.

منابع:

- رضوان طلب، محمد رضا: پرسش آگاهانه.
- قرآن کریم
- ارونسون، الیور: روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه‌ی حسین شکرکن.
- ستوده، امیررضا: پایه پای آفتاب. جلد ۱.
- کاظمی، یحیی: آموزش و پرورش از خردسالی تا جوانی.
- سادات، محمد علی: راهنمای آموزش تعلیمات دینی در مدارس.
- طباطبایی، سید محمد حسین: سنن‌النبی، به نقل از اصول کافی، جلد ۳.
- شعبانی، حسن: مهارت‌های آموزشی و پرورشی.
- اصول کافی، جلد ۱، کتاب الکفر و الایمان، ج ۳ و ج ۴.
- قائمی، علی: اقامه‌ی نماز در دوران کودکی. ابن حنبل: مسند، ج ۵.
- محمدی ری شهری، محمد: جشن تکلیف.
- مستدرک الوسایل، ج ۱۵.
- مطهری، محمد رضا: مجله‌ی علمی و تخصصی معرفت، شماره‌ی ۴۴، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).